

نوشته‌ی: دیوید دیویس

فلسفه‌ی هنرهای اجرایی

برگردان: سلما محسنی اردستانی

سرشناسه: دیویس، دیوید، ۱۹۴۹-م. Davies, David

عنوان و نام پدیدآور: فلسفه‌ی هنرهای اجرایی/نوشته‌ی دیوید دیویس؛ برگردان سلما محسنی ارده‌الی.

مشخصات نشر: تهران: آوند دانش، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۳۶۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۲۲-۸۹-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: Philosophy of the performing arts, c2011.

موضوع: هنرهای نمایشی -- فلسفه

موضوع: Performing arts -- Philosophy

شناسه افزوده: محسنی ارده‌الی، سلما، ۱۳۵۸-، مترجم

شناسه افزوده: شهید ثالث، فرناز، ۱۳۶۰-، ویراستار

رده‌بند: سنگ ۱۳۹۵/۵۹ف۸۴ PN1584

رده‌بندی یوبی: ۷۹۰/۲

شماره کتابشناس ملی: ۴۳۳۸۱۰۴



آوند دانش

مجموعه نقد ادبی

فلسفه‌ی هنرهای اجرایی

نوشته‌ی دیوید دیویس

برگردان: سلما محسنی ارده‌الی

ویراستار: فرناز شهید ثالث

نمونه‌خوان: لیلا ملکی

طراحی گرافیک: استودیو آوند دانش

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴، جلد دوم

شمارگان ۵۰۰ جلد

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ محمد

نشانی ناشر: ابتدای خیابان‌ساران، خیابان گل‌نبی، خ ناطق نوری، بن‌بست طلایی، پلاک ۴

مرکز پخش: میدان انقلاب، خیابان جمالزاده شمالی، بعد از چهارراه نصرت، کوچه دعوتی، شماره ۱۲

صندوق پستی: ۱۹۵۸۵/۶۷۳

تلفن: ۲۲۸۹۳۹۸۸، ۲۲۸۷۱۵۲۲، ۲۲۸۷۱۵۲۲ تلفن مرکز پخش: ۶۶۵۹۱۹۰۹

شابک: ۹۷۸۶۰۰۷۰۲۲۸۹۴

۲۵۰,۰۰۰ تومان



سبک از ارزش افزوده
کلیه حقوق این کتاب نزد ناشر محفوظ است

مقدمه و قدردانی

اخيراً در زیبایی‌شناسی فلسفی، تمایلاتی به آنچه «فلسفه‌ی هنر» نامیده می‌شود، به وجود آمده و پیش‌فرض نهفته در آن این است که اگر بخواهیم به یک بینش فلسفی در هنر دست پیدا کنیم، باید این کار را نه تنها با در نظر گرفتن شباهت هنرها به یکدیگر، بلکه در مسیر تفاوت‌های آن‌ها نیز به درستی انجام دهیم. منظور این نیست که دیگر برای نظریه‌پردازی عمیق درباره‌ی چیستی یک اثر هنری یا درک موجود از آن، جایگاهی وجود ندارد. اما باید نسبت به چنین موضوعاتی که در شکل‌های گوناگون هنری مطرح می‌شوند، حساس باشیم. باین حال، اگر می‌خواهیم از نظریه‌ی عمومی بهره‌ییزیم، باید مشخص کنیم که چگونه هنرها را با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان گروه‌بندی می‌کنیم. ما خواهیم از این پژوهش بیشترین بهره را ببریم. برای مثال، عکاسی منظر، خواهر هنری سینماست. در این هنر، تصاویر ثابت و متحرکی داریم که متکی بر یک تکنولوژی واحدند. اما از طرف دیگر، این هنر، همچنین خواهر هنری نقاشی است. هر دو تصویری را به نمایش می‌گذارند، با چشم سروکار دارند و تاریخچه‌ی آن‌ها از بعضی جنبه‌ها مشابه است.

در این چشم‌انداز جدید فلسفی، جایگاه هنرهای اجرایی نیز درخور توجه است. مفهوم «هنرهای اجرایی» ساختاری از پیش تعیین شده در میان هنرها دارد. هنرهایی که زیر این عنوان قرار می‌گیرند - موسیقی، رقص و تئاتر - از برخی جهات

تفاوت‌های شاخصی دارند. برای مثال به نظر می‌رسد که هر کدام به ظرفیت‌های شناختی و حواس متفاوتی نیاز دارند. موسیقی در اصل، هنری شنیداری است؛ رقص، هنری دیداری و تئاتر- حداقل از دید سنتی- روایتی تصویری است که بیش از آنکه با حواس درگیر باشد، ذهن را درگیر می‌کند. پس چه چیزی این هنرها را به یکدیگر مرتبط می‌کند؟ بسیار واضح است که در این هنرها اجرای افراد را درک می‌کنیم. پس عجیب نیست که بیشتر سؤالات مشخص فلسفی درباره‌ی هنرهای اجرایی، به مفهوم اجرای هنری مربوط می‌شود.

نکته‌ی جیب این است که تلاش‌های اندکی برای مطالعه‌ی روشمند مفهوم کلی هنرهای اجرایی انجام شده است. بیشتر تحقیقات فلسفی درباره‌ی هنرهای اجرایی منحصرأیالاً سه دسته موسیقی می‌پردازد. فرضیه‌ی جهان‌شمولی وجود دارد مبنی بر اینکه موسیقی کلاسیک، به‌طور کلی، نیاز ما را به یک الگو برای هنرهای اجرایی برطرف می‌کند. این اگر که نه، پارادایم یا الگوی کلاسیک^۱ می‌نامیم، چارچوبی برای تحقیقات ما در نیمه‌ی نخست این کتاب تعیین می‌کند. در این کتاب به آنچه این الگو در بر می‌گیرد، سه الی که در زمینه‌ی موسیقی مطرح می‌کند و تعمیم‌پذیر بودن احتمالی آن به دیگر گونه‌های موسیقی، تئاتر و رقص خواهیم پرداخت.

برای نیمه‌ی دوم کتاب با هدف درک و پرداختن به تفاوت‌های بین اجرای موسیقی کلاسیک و دیگر گونه‌های اجرای هنری، چارچوب دیگری تدارک دیده‌ایم. ابتدا با پرداختن به اجراهایی که به‌خودی‌خود، به‌عنوان یک اثر هنری متقاعدکننده‌اند، آغاز می‌کنیم. سپس به بررسی ابعاد خاص یک اجرای هنری- بداهه‌پردازی، تمرین، نقش تماشاگر و ماهیت جسم یک هنرمند نمایشگر- خواهیم پرداخت و شباهت‌ها و تفاوت‌های جالب بین هنرهای اجرایی را ذکر خواهیم کرد. در فصل پایانی، به

روشی کلی برای تفکر درباره‌ی «هنرهای اجرایی» در برابر برخی از پیچیده‌ترین موارد هنر معاصر دست می‌یابیم که اصطلاحاً «هنر اجرا» نامیده می‌شود.

در بخش‌های مختلف این کتاب، با کسب اجازه، از مطالبی که در جاهای دیگری چاپ شده یا خواهند شد، استفاده کرده‌ام. طرح اولیه‌ی چارچوب کلی تفکر درباره‌ی هنرهای اجرایی که در فصل ۱ کتاب مطرح شده، برای نخستین بار در فصل ۹ کتاب دگرمن با عنوان هنر به مثابه اجرا^۱ مطرح شد. در فصل ۱۰ کتاب مذکور نیز در این زمینه مثال‌هایی آورده بودم. مفهوم «توجه هنری» نیز که در فصل ۱ از آن سخن رفته، با رنیاات بیشتری در مقاله‌ی «پورنوگرافی، هنر و شاهد عینی مورد نظر»^۲ توضیح داده شده و قرار است در مجموعه‌ی زیبایی‌شناسی و پورنوگرافی^۳ با ویرایش جراب لو، سه‌ن و هانس مائز چاپ شود. همچنین در فصل‌های ۶ و ۸ این کتاب، به «تمرین، عناصر الگوی همیلتون» در اجرای تئاتری اشاره کرده‌ام که در نشریه‌ی آموزش زیبایی، «شناختی»^۴ چاپ شده است. نسخه‌ی اصلاح‌شده‌ی مبحث جسمیت در فصل ۹ نیز در «آیا من آینده‌ی شما خواهم بود؟ عامل جسمیت، رقص و علم عصب‌شناسی» در کتاب روان‌شناسی زیبایی‌شناختی^۵ اثر الیزابت شلیکنز و پیتز گلدی خواهد آمد. در فصل ۱۰ نیز به «تصاویر گویا: جایگاه روایت در هنر تصویری پسامدرن» رجوع کرده‌ام که در کتاب فلسفه و هنر مفهومی^۶ الیزابت شلیکنز و پیتز گلدی آمده است. همچنین در مبحث «هنر اجرا» از کتاب راهی به سوی زیبایی‌شناسی^۷ اثر استفان دیویس، چاپ دوم بهره برده‌ام.

1. *Art as Performance* (Blackwell, 2004)

2. "Pomography, Art, and the Intended Eye of the Beholder"

3. *Aesthetics and Pomography* (Oxford University Press, Oxford)

4. *Journal of Aesthetic Education* (43(3) (2009), 23-36)

5. *Aesthetic Psychology* (Oxford University Press, Oxford)

6. *Philosophy and Conceptual Art* (Oxford University Press, Oxford, 2007)

7. *A Companion to Aesthetics* (Wiley-Blackwell, Oxford, 2009, 462-465)

اینجا می‌خواهم از همراهی افراد و منتقدانی که در این چند سال گذشته، چه از طریق طرح سؤال در سخنرانی‌ها و چه بحث‌های غیررسمی در کنفرانس‌ها، ایده‌های این کتاب را به چالش کشیدند، قدردانی کنم. همچنین باید از سه منتقد مطبوعاتی - استفان دیویس، جیمز همیلتون و اندرو کانیا - نیز تشکر کنم که هر کدام یک پیش‌نویس کامل از کتاب را خواندند و با پیشنهادات و انتقادات سازنده‌ی خود، فرایند بازنگری کتاب را مهیج و پربار کردند. این کتاب بدون نظرات آن‌ها بسیار بی‌مایه می‌شد، اگرچه مسئولیت تمامی خطاهای کتاب با شخص بنده است. همچنین می‌خواهم از حمایت‌های مداوم انجمن پژوهشی علوم اجتماعی و ادبیاتی کانادا^۱ تشکر کنم که سرمایه‌گذاری‌شان برای تحقیق و نگارش این کتاب، که بسیار بزرگی بود.

فهرست

بخش نخست: اجرا و آفری کلاسیک.....	۱
۱ ماهیت اجرای هنر.....	۳
۱ مقدمه.....	۳
۲ اجرا چیست؟.....	۶
۳ نظریه‌های نهادی اجرای هنری.....	۱۰
۴ نظریه‌های زیبایی‌شناختی اجرای هنری.....	۱۵
۵ اجرای هنری و توجه هنری.....	۲۱
۶ نگاه کلی.....	۲۶
۲ الگوی کلاسیک اول: ماهیت اثر قابل اجرا.....	۳۳
۱ مقدمه: برتولد و ماگدا به کنسرت می‌روند.....	۳۳
۲ ماهیت چندگانه‌ی آثار قابل اجرا.....	۳۵
۳ آثار قابل اجرا به مثابه انواع.....	۴۳
۴ نظریه‌های گوناگون انواع: صوت‌گرایی، سازگرایی و زمینه‌گرایی.....	۴۷
۵ سایر نظریه‌های اثر قابل اجرا.....	۵۷
۳ نمونه‌ی کلاسیک دوم: ارزشیابی آثار قابل اجرا در اجرا.....	۷۹
۱ مقدمه: گفت‌وگوی ارزشیابانه درباره‌ی آثار قابل اجرا.....	۷۹

۲	آیا آثار قابل اجرا می‌توانند ویژگی‌های هنری را با اجراهای خود به اشتراک بگذارند؟	۸۲
۳	نظریه‌ی گودمن	۹۰
۴	پاسخ به نظریه‌ی گودمن	۹۸
۴	اعتبار در اجرای موسیقی	۱۰۹
۱	مقدمه	۱۰۹
۲	اعتبار در هنرها	۱۱۱
۳	راه‌شناسایی اجرای معتبر از نظر تاریخی	۱۱۴
۵	چالش‌های الگوی کلاسیک در موسیقی	۱۳۳
۱	مقدمه: الگوی کلاسیک در هنرهای اجرایی	۱۳۳
۲	دامنه‌ی الگو در موسیقی کلاسیک	۱۳۸
۳	جاز، راک و الگوی کلاسیک	۱۴۴
۴	موسیقی غیر غربی و الگوی کلاسیک	۱۵۵
۶	قلمرو الگوی کلاسیک: تئاتر، رقص و ادبیات	۱۵۹
۱	مقدمه: برتولد و ماگدا به تئاتر می‌روند	۱۵۹
۲	اجراهای تئاتری و آثار قابل اجرا	۱۶۲
۳	چالش‌های الگوی کلاسیک در تئاتر	۱۷۳
۴	رقص و الگوی کلاسیک	۱۸۶
۵	رمان به مثابه اثر قابل اجرا؟	۲۰۰
بخش دوم:	اجرا به مثابه هنر	۲۰۵
۷	اجرا به مثابه اثر هنری	۲۰۷
۱	مقدمه: اجرای خودانگیز در هنرها	۲۰۷
۲	موقعیت هنری اجراها خارج از الگوی کلاسیک	۲۱۱

۳	موقعیت هنری اجراها درون الگوی کلاسیک.....	۲۱۹
۸	عناصر اجرا ۱: بداهه‌پردازی و تمرین.....	۲۲۷
۱	مقدمه.....	۲۲۷
۲	ماهیت بداهه‌پردازی.....	۲۲۹
۳	بداهه‌پردازی و آثار قابل اجرا: سه الگو.....	۲۳۵
۴	بداهه‌پردازی و ضبط کردن.....	۲۴۵
۵	جایگاه تمرین در هنرهای اجرایی.....	۲۵۱
۹	عناصر اجرا ۲: تماشاگر و جسمیت.....	۲۶۳
۱	آیا یک اجرای هنری، وزن تماشاگر امکان‌پذیر است؟.....	۲۶۳
۲	واکنش تماشاگر.....	۲۷۷
۳	جسمیت اجراکننده و گیرنده‌ی تئاتر.....	۲۹۰
۱۰	هنر اجرا و هنرهای اجرایی.....	۳۰۹
۱	مقدمه.....	۳۰۹
۲	برخی موارد گنج‌کننده.....	۳۱۱
۳	هنر اجرا چیست؟.....	۳۱۹
۴	چه موقع آثار هنر اجرا شامل اجراهای هنری می‌شود؟.....	۳۲۴
۵	اجرا به مثابه هنر: پرونده‌ی نهایی.....	۳۳۵
	منابع.....	۳۳۹